دانشگاه تهران

دانشكده اقتصاد

پايان نامه كارشناسي ارشد

عنوان:

اثر سياستهاي تعديل اقتصادي بر طبقه متوسط ايران

نگارش: احمد رضا روشن

استاد راهنما: ابراهيم رزاقي

استاد مشاور: علي طيب نيا

سال تحصيلی: ۱۳۷۵

زبان: فارسي

بر ساخت: ۱۷۵ ص. جدول، نمودار، ۲۰ كتابنامه

توصيفگر

۱ـ طبقات متوسط

۲ـ طبقات اجتماعي

۳ـ سياست اقتصادي

٤ـ تعادل درآمد

۵ـ تعادل اقتصادي

٦ـ طبقات كارگر

چكيده:

هدف تحقيق نشان دادن تصوير واضح تري از واقعيت نسبت به مسايل اقتصادي است كه بتوان رفتار دقيق اجتماعي مردم كشور را مشخص نمود. روش تحقيق و ابزار تحقيق از طريق مطالعه كتابخانه هاي و با استفاده از متون، مقالات، گزارشها، عملكردهاي پايان نامه ها و تجزيه و تحليل مسائل اقتصادي انجام گرفته است. يافته هاي تحقيق نشان مي دهد كه سياستهاي تعديل، خواستار محدود شده هر چه بيشتر فعاليتهاي اقتصادي دولت مي باشد و رفاه اقتصادي با كاستن از مقررات دولتي بهبود مي يابد و كنترل بازارهاي مالي و بازار تجارت و نيز ساختارهاي تنظيم كننده، مانع از جريان آزاد سرمايه در اقتصاد است. بهترين راه دستيابي به رشد اقتصادي واگذاران تصميمهاي اقتصادي بر عهده افراد و نهادهاي خصوصي كه با هم در حال رقابت هستند مي باشد چرا كه سياستهاي تعديل تنها اجراي سياستهاي پولي و مالي مناسب حمايت مي شوند و از طرفي اجراي سياست تعديل اقتصادي به دو عامل اقتصادي و اجتماعي سياسي بستگي دارد، و در ادامه شمايي كلي از ساير طبقات اجتماعي (طبقه روستايي، طبقه كارگز، طبقه سرمايه دار) و خصوصاً به طور مشروح طبقه متوسط را مورد بررسيقرار مي دهد. در انتها به ارزيابي اثر سياستهاي تعديل اقتصادي بر توزيع درآمد و همچنين بر مصرف خانوارهاي طبقه متوسط چه تاثيري گذاشته است. تحليل و بررسي هاي بيانگر اين مسئله هستند كه بي ترديد تعديل اقتصادي، توزيع درآمد را متاثر خواهند كرد و بر تخصيص منابع، همه بخشها و زير بخشهاي اقتصادي اثر مي گذارد و مي تواند روابط گذشته بر كل اقتصاد را دگرگون كند.